



بردباری سیاسی به معنای تغییر عقیده نیست/ بردباری یک نوع هوشمندی در موقعیت های خاص است

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه برخی از سیاستمداران ما سعه صدر، ظرفیت تحمل اندیشه متفاوت و گرایش متفاوت..

برزگر در گفتگو با مهر:

بردباری سیاسی به معنای تغییر عقیده نیست/ بردباری یک نوع هوشمندی در موقعیت های خاص است
رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه برخی از سیاستمداران ما سعه صدر، ظرفیت تحمل اندیشه متفاوت و گرایش متفاوت یا رفتار متعارض با خودشان را دارند و برخی ندارند، گفت: در مجموع به نظر می رسد که بردباری سیاسی در جامعه ما و به ویژه در سطح سیاستمداران اندک است. دکتر ابراهیم برزگر، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی در گفتگو با خبرنگار مهر، به سؤالاتی درخصوص بردباری سیاسی پاسخ داد که اکنون از نظر شما می گذرد.

*در ابتدا بفرمائید که بردباری سیاسی به چه معناست و اصول حاکم بر آن چیست؟

بردباری سیاسی واژه ای است که در ادبیات غرب از آن به «Toleratoin;171#&» تعبیر می شود که تساهل معادل یابی می شود یا آنچه که در ادبیات دینی ما تسامح و مدارا معادل یابی می شود یکی از مباحثاتی است که دامنه طولانی در زمینه اجتماع، زندگی اجتماعی و زندگی سیاسی به ویژه جامعه مدنی و مردم سالاری دینی دارد. این قالب به معنای احترام گذاشتن به عقاید مخالف، سلیقه های متعارض و در واقع رفتارهای متفاوت است. بنابراین پذیرش منطق تفاوت در بینش، گرایش و رفتار است و بر این تعریف مختصری که ارائه شد می توان گفت که اصول کلی بردباری سیاسی آن گونه که در نگرش دینی و اسلامی ما می تواند مورد بحث قرار گیرد نه آن گونه که در جهان غرب مد نظر قرار می گیرد.

می توان این اصول را در قالب احترام گذاشتن به بینشهای متفاوت مشروط به آنکه موجب اختلاف در حق و باطل نشود یعنی در واقع اصل اول آن جنبه بینشی دارد اما بینش به شرط آنکه موجب به رسمیت شناختن دیدگاه های مثلا کفر و ایمان نشود. بنابراین از لحاظ بینشی بین کفر و ایمان بردباری سیاسی وجود ندارد. به دلیل اینکه اینها دو راه متفاوت هستند اما در زمینه بینشی نوع مجاز آن وجود دارد که ما به عقاید حقانی یا برداشتهایی که در زمینه مقوله حق و در راه حق وجود دارد آن عقاید را به رسمیت بشناسیم.

اصل دوم به معنای تحمل گرایشها و تعصبات متفاوت در خلیات و رفتارها و گرایشهاست. به معنای اینکه ما خودخواهی و خودمحوری نداشته باشیم و قوم محوری، ملت محوری و نفع محوری نداشته باشیم و دیگران را در گرایشات مد نظر قرار دهیم و به نوعی در واقع منطق ایثار و ایثارگری را در دستور کار قرار دهیم. اصل سوم بردباری سیاسی در زمینه رفتاری است به معنای تحمل رفتار مخالف است.

بنابراین اگر بخواهیم به طور کلی جمع بندی داشته باشیم به صورت کلی می توان گفت بردباری در زمینه بینش هاست. یکی بردباری در زمینه گرایشها و خلیات است و یکی در زمینه رفتارهاست که بیشترین ظرفیت در زمینه بردباری رفتاری است. مثلا بردباری سیاسی ما شیعیان و سنی مذهب به معنای تغییر عقیده یکی به نفع دیگری نیست، بلکه به معنای بردباری رفتاری است که با حفظ اینکه شیعه یا سنی مذهب هستیم با حفظ این بتوانیم به راحتی زندگی کنیم و تحمل دیگری را داشته باشیم و اینها اصول کلیاتش بود.

*آیا سیاستمداران ما واجد بردباری سیاسی هستند؟ اگر نیستند چرا این گونه هستند؟

البته وقتی بحث نظری بردباری سیاسی می خواهد بر سیاستمداران ایرانی تطبیق کند، طبعا وارد مصادیق می شود، مصادیق گوناگون هم با هم متفاوت است. بنابراین برخی از سیاستمداران ما سعه صدر، ظرفیت تحمل اندیشه متفاوت و گرایش متفاوت یا رفتار متعارض با خودشان را دارند و برخی ندارند ولی در مجموع به نظر می رسد که بردباری سیاسی در جامعه ما و به ویژه در سطح سیاستمداران اندک است و دلیل آن هم به تعلقات نفسانی و منافع و خودخواهی هایی که بین آنها وجود دارد بر می گردد و این خودخواهی ها و خودمحوربینی و تأکید بر کسب موقعیتهای کمیابی در سیاست نظیر پستها و موقعیتهای سیاسی موجب می شود که بردباری سیاسی در بین سیاستمداران کاهش پیدا کند.

به طور مثال طبیعی است که پست ریاست جمهوری به یک نفر تعلق می گیرد ولی طبعا داوطلبان متقاضی این پستها متعدد هستند و این نزاع بر سر ارزشهای کمیاب موجب نابدباری سیاسی می شود در حالی که اگر از خودگذشتگی و افزایش بینش و افق فکری به این معنا که دنیا را منزلگاه کوچکی می بینند و به آخرت بیندیشند. در این صورت موجب می شود که بردباری سیاسی ایجاد شود.

*بردباری سیاسی در چه مواقعی نیاز است و تأثیرات آن بر جامعه چیست؟

بردباری سیاسی در موقعیتهای خاصی، همچون نسیمی است که در موارد نادری می‌وزد، مثل موقعیتهایی که انتخابات برگزار می‌شود و جامعه در معرض شکل‌گیری تصمیمی است که آن تصمیم ساختار چهارساله را تعیین می‌کند در موقعیتهای این گونه، بردباری سیاسی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند، چون در این دوره‌ها در وضعیتی قرار می‌گیریم انتقال قدرت صورت می‌گیرد. این موقعیتهای گذار و انتقال قدرت برای جامعه وضعیت شکننده‌ای را ایجاد می‌کند درهایی باز می‌شود و از این در و پنجره‌های باز که طبعاً برای وارد شدن هوای تازه استفاده می‌شود مگس‌هایی هم وارد می‌شود، ساختارشکنانی هم وارد می‌شوند که می‌خواهند ارزشهای جامعه را می‌خواهند هدف بگیرند و ثبات و امنیت جامعه را هدف بگیرند و یا دست‌یازی به اموال، مغازه‌ها و مال‌التجاره‌های مردم را هدف قرار دهند. بنابراین در موقعیتهای این گونه‌ای هوشمندی و بردباری سیاستمداران به ویژه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بیشتر مد نظر است و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.